



«تعالُد» شکاف عمیق در آمد و قیمت مسکن را بررسی می کند

۲۷ سال یا ۸۲ سال انتظار برای خانه دار شدن؟

صفحه ۵

یادداشت - ۱

دست اندازی بی ثباتی و خودروهای بالای ۱۰ میلیارد



بابک صدراپی

تغییرات مداوم سیاست‌ها، شایعه سازی‌ها و تلاطمات ارزی، بازار خودرو را به نقطه‌ای رسانده که حتی محصولات داخلی نیز از قدرت خرید طبقه‌های متوسط و حقوق‌بگیر خارج شده‌اند. بحث گرانی و بحران قیمت در بازار خودرو، معلولی از علت‌های متعددی است که زنجیره‌وار به یکدیگر متصلند؛ اما متأسفانه در کشور ما مدل و شیوه‌ای از حکمرانی فکری جریان دارد که خودرو را از یک کالای مصرفی یا حتی سرمایه‌ای متعارف، به ابزاری برای رفق‌زن پدیده‌های غیرعادی تبدیل کرده‌است. نخستین و مغرب‌ترین ضربه به پیکره بازار خودرو، از درون اتاق‌های تصمیم‌گیری در دهه‌های اخیر وارد می‌شود. وقتی سیاست‌گذاران به‌طور مرتب و بدون پشتوانه کارشناسی تغییر می‌کنند، با حرف‌هایی به میان می‌آید که بعضاً رنگ‌بوی شایعه به خود می‌گیرد، بحران کلید می‌خورد، مضحکه‌آمیز و در عین حال تزاؤدیک اینکه گاه خود تصمیم‌گیرنده به این شایعات دامن می‌زند، بعد آن را تکذیب می‌کند و پس از مدتی همان تصمیم دزدیده را به اجرا می‌گذارد! این ناسلامانی و عدم ثبات در بازار، محصول تصمیمات درون‌زاست. ما این بی‌ثباتی را خودمان به وجود می‌آوریم و این، بزرگ‌ترین ضربه به مهلک را به کل زنجیره بازار خودرو وارد می‌کند. در حوزه واردات خودرو نیز وضعیت به همین منوال است؛ وقتی رویکردها شخته، آشفته و بدون برنامه جلو می‌روند قیمت‌ها در این حوزه ناگهان افزایش‌های وحشتناک و جهشی به خود می‌گیرد، تر کش آن به‌طور مستقیم به بدنه خودروهای تولیدی و مونتاژی نیز اصابت خواهد کرد. این فکر که بازار خودروهای وارداتی مجزا از خودروهای داخلی و مونتاژی است، خطای استراتژیک محسوب می‌شود. هر نوع تصمیم‌گیری دوطرفه به ویژه در بخش بالای بازار (سقف بازار)، بلافاصله بر آن کان پایینی و میانی اثر می‌گذارد. اگر تصمیمات در حوزه واردات درست، بجای و منطقی اتخاذ نشوند، عوارض و پیامدهای توری می‌آن با سرعتی بالا به سگمنت خودروهای داخلی و مونتاژی هم سرریز خواهد شد. برای درک عینی این فاجعه، کافی است نگاهی به واقعیت‌های میدانی بیندازیم. هم‌اکنون با فرمول‌ها، عوارض و تاریخ‌های جدید ترخیص، در دل بازار خودروهای وارداتی دیگر خبری از خودروی زیر ۱۰ میلیارد تومان نخواهد بود. به بیان دیگر، خودروی وارداتی عملاً به کالایی انحصاری برای اقل‌ساز بسیار مرفه کشور تبدیل شده است. کف قیمت این خودروها از محدوده یک میلیارد تومان (در ارقام پایه یا ساسی خاص) شروع شده و با نگاهی به بازار آزاد، تا ۲۰۰ و ۲۵۰ میلیارد تومان برای مدل‌های انگشت‌شمار و خاص امتداد می‌یابد؛ اما طیف عمده وارداتی‌ها بازه قیمتی از یک میلیارد تا ۱۴۰ و ۱۵۰ میلیارد تومان را پوشش می‌دهند.

وقتی کف قیمت خودروی وارداتی به کانال ۱۰ میلیارد تومان می‌رسد، این فتر فشرده، فشار روانی و قیمتی خود را به کل بازار تحمیل می‌کند و بهای خودروهای داخلی را هم ناگزیر بالا می‌کشد. امروزه در بازار آزاد شاهد هستیم که مدل‌های داخلی و مونتاژی بر طرفدار مانند «تارا» یا «شاهین» در مرز قیمت‌های ۵ تا ۱۰ میلیارد تومان معامله می‌شوند. این تحولات معای تلخی دارد: خودروی داخلی نیز که روزگاری وسیله‌ای برای دسترسی طبقه متوسط بود، اکنون در حال فاصله گرفتن از این دهک‌ها و تبدیل شدن به کالایی مختص به اقل‌ساز مرفه است. پیابید یک حساب کتاب ساده ریاضی داشته باشیم؛ اگر فردی در اقتصاد امروز ایران ماهانه ۱۰۰ میلیون تومان حقوق بدارد داشته باشد، به نسبت شرایط موجود، در زمره مدیران و کارمندان رده‌بالا و پرخوردار در آمد نسبتاً خوب محسوب می‌شود. با این حال، این فرد باید چهار سال تمام، بدون خوردن، پوشیدن و خرج کردن، تمام حقوق خود را پس‌انداز کند تا بتواند (با فرض محال ثبات مطلق قیمت‌ها) یک خودروی ۴ یا ۵ میلیارد تومانی خریداری کند! مشخص است که تحت چنین شرایطی، این سطح از قیمت‌ها بخش بزرگی از خریداران واقعی و راز گردونه بازار حذف می‌کند و تقاضا را به شدت الکن می‌سازد. برای حل معضل ساختاری بازار خودرو، راهکارهای مقطعی و دستوری کارساز نیست. درمان این درد، نیازمند تصمیم‌گیری در سطح کلان است. تا زمانی که بستر کلان اقتصاد کشور به همین منوال بچرخد، شاهد بهیود نخواهیم بود. شرایط مشخص است:

۱- تا زمانی که تنش‌های سیاسی کشور به همین شکل باقی بماند؛ ۲- تا زمانی که صنعت خودروسازی در تأمین قطعات حیاتی به دلیل تحریم‌ها و موانع بین‌المللی با بن‌بست روبرو باشد؛ ۳- تا زمانی که نرخ ارز مداوم رو به صعود و نوسان باشد و کانال‌های ارزی بالا رافتح کند؛ ۴- و تا هنگامی که امنیت اقتصادی، پیش‌بینی‌پذیری و ثبات قوانین وجود نداشته باشد؛ روند فعلی با قدرت ادامه خواهد یافت. در چنین فضایی، هر فردی در جهان به راحتی می‌تواند حدس بزند که با سه سیگنال هم‌زمان «شد دلار»، «افت شدید تولید» و «محدودسازی واردات»، مسیر قیمت خودرو صعودی خواهد ماند. **ادامه در صفحه ۳**

تازه‌ترین گزارش مرکز آمار ایران از وضعیت شاخص قیمت مصرف‌کننده در مهرماه ۱۴۰۵، تصویری دووجهی از تحولات تورمی اقتصاد ایران را به می‌دهد؛ از یک سو، نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه پس از چند ماه افزایش، اندکی کاهش

یافته و از ۸۹.۸ درصد در شهریور به ۸۸.۷ درصد رسید؛ است از سوی دیگر، تورم ماهانه همچنان در سطح بالای ۴.۴ درصد قرار دارد و تورم سالانه نیز با ثبات رقم ۷۶.۸ درصد، از تداوم فشار سنگین افزایش قیمت‌ها بر خانوارها حکایت

می‌کنند این ارقام نشان می‌دهند که هر چند کاهش محدود یکی از شاخص‌های تورمی می‌تواند نشانه‌ای امیدوارکننده باشد، هنوز نمی‌توان از تغییر معنار مسیر تورم یا بازگشت ثبات به اقتصاد سخن گفت. بر اساس گزارش مرکز آمار

ایران، شاخص قیمت مصرف‌کننده در مهرماه به ۷۶۱۸ رسید. به این ترتیب، هزینه تهیه سبد مشخصی از کالاها و خدمات که در مهر سال گذشته ۱۰۰ واحد بوده، اکنون به‌طور متوسط به...

صفحه ۲ را بخوانید



ادعاهای سابقش در مورد حفظ امنیت اسرائیل و صیانت از قدرت و آزادی عمل آن در مقابل منافع شخصی و خانوادگی‌اش ارزش چندانی نداشته و نخواهند داشت.

از منظر خشک آمار و ارقام: نتایج انتخابات کنست اسرائیل پس از شمارش ۱۰۰ درصد آرای عادی: **■ انتالف نتانیاو: ۵۲ کرسی**
■ انتالف مخالفان: ۴۸ کرسی

■ احزاب عربی: ۱۹ کرسی است.

در این بین حزب «لیکود» به رهبری نتانیاو، با کسب ۲۶ کرسی، بزرگ‌ترین حزب در اسرائیل لقب گرفته است.

انتظار می‌رود شمارش آرای سربازان و دیپلمات‌ها یا فریب موجود در شخصیت نتانیاو را در فریب دادن دونالد ترامپ در تهاجم به ایران برای یک عملیات چند روزه باشد، عملیاتی که دولت امریکا را همچون قبلی در فروشگاه چینی فروشی گرفتار کرده و جستنه و گریخته به فریب خوردنش از نتانیاو هم از طریق رسانه‌های نزدیک به خود شکوه و شکایت دارد.

اما ظاهراً انتخابات کنست بیست‌وششم شرایط متفاوتی را برای نتانیاو رقم زده است، این شرایط نه تنها حاصل پیچیدگی اوضاع منطقه از جنگ داخلی است که شکست ۱۷کثیر و پرنده فسادش از با ایران گرفته تا مشکلات در نوار غزه و درگیری قومیتی داخلی اسرائیل و... نیست بلکه به این خاطر است که شکست ۱۷کثیر و پرنده فسادش از همه را متقاعد کرده است که وی فقط برای فرار از مجازات می‌خواهد در صحنه سیاسی بماند و

بنیامین نتانیاو، حتی اگر بخواهد، نتواند از

فاصله زمانی میان انتخابات و تشکیل دولت به دست رقبا یش، با تصمیم‌گیری درباره بازگشت به انتخابات، برای آغاز جنگی گسترده علیه ایران استفاده کند.

سهولت به کارگیری ارتش به ماهیت ماموریت بستگی دارد و زمانی بیشتر است که موضوع به یک واکشت دفاعی یا عملیات پیشگیرانه محدود یا خطر کنترل شده مربوط باشد نه ورود به ماجراجویی که قبل تر شکست نسبی آن به اثبات رسیده است. به هر شکل جنگی در ابعاد روبرویی با ایران، به پشتوانه‌ای راهبردی نیاز دارد که فراتر از محاسبات نخست‌وزیری باشد که برای بقای خود مبارزه می‌کند.

شاید همین امر باعث شد تا گادی ایزنکوت حتی قبل از اینکه پیروزی یا شکست خود را اعلام کند، به همه نهادهای ذی‌ربط اسرائیلی گوشزد کرد که از این لحظه نتانیاو رییس دولت پیشبردار امور بوده و فاقد مشروعیتی است که بتواند به آن اختیارات تصمص‌گیری‌های بزرگ و سرنوشت‌ساز بدهد. اخبار رسیده از وزارت جنگ اسرائیل هم نشان می‌دهد فرماندهی نظامی خواستار اهدافی روشن، برآورد هزینه‌ها و تعیین حدود تشدید تنش در هر تقابل جدیدی خواهد شد.

اگر ادعای درگیری لفظی رییس ستاد ارتش اسرائیل با بنیامین نتانیاو در یک پایگاه نظامی

در رابطه با راهبردها و اولویت جنگ صحیح بوده و جنبه خوراک تبلیغات پیش از انتخابات و حتی نقشه فریب نداشته این مساله احتمال تبدیل دوره انتقالی به فرصتی برای آغاز جنگی شخصی را بعید می‌سازد، هر چند عملیات محدود و نمایش قدرت همچنان بخشی از ابزارهای مانور و فشار در جریان مذاکرات برای تشکیل دولت آینده یا آماده‌سازی برای انتخابات جدید باقی می‌ماند.

در این چارچوب سناریوهایی برای دوره پیش روی اسرائیل مطرح شده است که می‌توان آن را در این موارد خلاصه کرد:

■ مشارکت مخالفان در دولتی گسترده به همراه نتانیاو.

■ تشکیل دولت اقلیت از سوی مخالفان با اتکا به حمایت تضمین‌کننده احزاب عربی.

■ تلاش برای ایجاد انتشاع‌های فردی یا گروهی در داخل ائتلاف‌ها جهت ریزش از یک ائتلاف به نفع ائتلاف رقیب.

■ تشکیل دولت انتقالی تا بر گسرای مجدد انتخابات، سنسار یویی که به سود جناح راست و نتانیاو خواهد بود.

هر سناریویی محقق نشود، پیش‌بینی نمی‌شود بتواند اسرائیل را در کوتاه‌مدت از بن‌بست بازی کرسی‌ها خارج کند.

یادداشت - ۳

مالی شدن اقتصاد و فرار نقدینگی

در این چند ماهه اخیر مشابه دو اتفاق دیگر افتاد و تحریم‌شدن کالایی از تنگه‌هرمز باعث افزایش شدید ریسک‌های اقتصادی شده و نقدینگی سرگردان به سمت بازارهای موازی حرکت کرد و بازار سرمایه نیز از این اتفاق بی‌نصیب نبود و قسمتی از رشد بازار سرمایه به خاطر همین موضوع است هر چند افزایش نرخ ارز و تورم می‌تواند رشد اسمی را به همراه داشته باشد، اما با بررسی دقیق حرکات نرخ ارز و تورم و وارد کردن پرآکسی تحریم‌هایی توان تأثیر تحریم و افزایش ریسک بر بازار سرمایه را متوجه شد.

در ایران به دلیل وجود نرخ بهره حقیقی منفی و عدم جذابیت بهره بانکی شدت این سرریز نقدینگی بر اثر مالی شدن اقتصاد بیشتر است و سهم نقدینگی بانک هم به سمت بازار سرمایه می‌رود پس این موضوع می‌تواند به واسطه همین امر تشدید پیدا کند؛ لذا باید داشته‌باشیم این تجربه کرد به حدی که در هر دو اتفاق بازار سرمایه مقداری نیز وارد حباب و بعد از آن با کاهش شدید مواجه شد.

این رشد‌ها حاصل افزایش ریسک و سوق نقدینگی سرمایه سرگردان به سمت بازار سرمایه شد که در نهایت فقط قیمت‌ها افزایش پیدا کرد نه سودآوری شرکت‌ها؛ ز یاد شده بود و نه توسعه ابزاری مالی اتفاق افتاده بود. فزایش سال‌های ۹۲ و ۹۹ تکرار نشود.

در اقتصاد پدیده‌ای وجود دارد به اسم «هالی شدن اقتصاد» یعنی زمانی که ریسک‌های سرمایه‌گذاری در بخش واقعی (تولیدی) بالا می‌رود، نقدینگی به سمت بازارهای مالی یا بازارهای نامولد سوق پیدا می‌کند

دقیقاً به خاطر همین موضوع است که مسکن (بخش نامولد مسکن یا همان داللی مسکن) طلاوار (بخشی از تقاضای ارز) رشده‌ای زیادی را تجربه می‌کند. البته ساخت مسکن بخش مولد حساب می‌شود، چراکه صنایع پیشین و پسین دارد و این بخش مولد حساب می‌شود؛ اما داللی مسکن نامولد است که رشد همین بخش به شدت آسیب‌زاست. البته در این مقاله بیشتر سعی داریم اثر مالی شدن اقتصاد بر بازار سرمایه را بررسی کنیم.

در سال‌های اخیر مخصوصاً از سال ۱۳۸۴ اقتصاد ما ریسک‌های متعددی را تجربه کرده است که باعث افزایش ریسک‌های کلان و کاهش سرمایه‌گذاری شده است؛ اما دو اتفاق بود که تأثیر آن به شدت قابل احساس بود، یکی تحریم بانک مرکزی و دومی خارج شدن از برجام که آسیب‌سباز زیادی زد و بزرگ‌ترین افزایش ریسک سال‌های اخیر بود.

طبق بررسی‌ها بعد از این دو اتفاق بازار سرمایه رشده‌ای شدیدی را تجربه کرد به حدی که در هر دو اتفاق بازار سرمایه مقداری نیز وارد حباب و بعد از آن با کاهش شدید مواجه شد. این رشد‌ها حاصل افزایش ریسک و سوق نقدینگی سرمایه سرگردان به سمت بازار سرمایه شد که در نهایت فقط قیمت‌ها افزایش پیدا کرد نه سودآوری شرکت‌ها؛ ز یاد شده بود و نه توسعه ابزاری مالی اتفاق افتاده بود.



علی عباسیان

با شرایط جدید بازنگری شود. نمی‌توان از یک سو آثار افزایش هزینه‌های ناشی از تغییر سیاست ارزی را به مردم تحمیل کرد و از سوی دیگر، مبلغ اولیه کالا برگ را ثابت نگه داشت، هر چند که از ابتدا نیز تصمص‌دولت، تغییر اعتبار کالا برگ متناسب با تورم بود. از همین رو، دولت باید به صورت اختصاص پیدا کرده کند که مابه‌التفاوت نرخ ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی با نرخ جدید تأمین ارز، چه میزان منابع مالی ایجاد کرده، چه مقدار از این منابع تحقق یافته و چه سهمی از آن به طرح کالا برگ اختصاص پیدا کرده است. بدیهی است افزایش نرخ ارز به تنهایی به معنای تحقق کامل درآمدهای پیش‌بینی شده نیست؛ اما بررسی دقیق منابع و مصارف این طرح، ضرورتی انکارناپذیر است. اگر منابع قابل استفاده برای تأمین کالا برگ افزایش یافته، باید سهم مردم از این ظرفیت نیز در قالب حمایت موثرتر و متناسب با هزینه‌های واقعی زندگی مشخص شود. از سوی دیگر، افزایش اعتبار کالا برگ جدید جایگزین سیاست‌های مهار تورم نشود و نمی‌توان انتظار داشت افزایش اعتبار به تنهایی مشکلات معیشتی مردم را برطرف کند. کنترل ریشه‌ای تورم، نظارت موثر بر قیمت کالاها، اساسی، جلوگیری از گرانی‌فروشی و تخلفات در شبکه توزیع و اطمینان از دسترسی مردم به اقلام ضروری با قیمت‌های قابل قبول، اجزای مکمل سیاست‌های حمایتی هستند. اگر قیمت‌ها همچنان افزایش یابند، بخشی از حمایت دولت پیش از آنکه به بهبود سفره خانوارها منجر شود، اثر خود را از دست خواهد داد. معتمد هم خانوار نیازمندی نباید صرفاً به دلیل نقص در سازوکارهای شناسایی از حمایت موثر محروم بماند. همچنین معیارهای شناسایی مشمولان افزایش اعتبار باید شفاف و متصفانه باشد تا هیچ خانوار نیازمندی به دلیل نقص در سازوکارهای شناسایی از حمایت موثر محروم نماند.

ادامه در صفحه ۳

هشدار تنفسی در کشور

۶ استان در وضعیت هشدار بالا

کرونا و آنفلوآنزا همزمان از خط قرمز گذشتند

صفحه ۸

«تعالُد» روند بازارهای جهانی را بررسی می کند

بورس ایران سبز شد اروپا سرخ ماند!

بورس‌های دنیا از جمله بورس ایران روند نوسانی را تجربه می‌کنند و یک روز به واسطه اخبار و شرایط مثبت هستند و روز دیگر سرخ‌پوش بورس ایران بیش از بورس‌های دنیا...

صفحه ۴ را بخوانید

از وعده شکستن انحصار تا واقعیت بازار

واردات خودرو زیر سایه قیمت‌های نجومی

تعالُد واردات خودرو که با وعده شکستن انحصار و کنترل قیمت‌ها از سر گرفته شد، همچنان با چالش‌هایی از جمله تحقق نیافتن پیش‌قابل توجهی از ثبت سفارش‌ها، قیمت‌های چندمیلیاردی و ولپام‌د تعرفه‌های جدید و به‌روست شرایطی که این پرسش را مطرح می‌کند که آیا سیاست واردات توانسته است خودرو و همچنان زیر سایه گرانی و نااطمینانی حرکت می‌کند؛ واردات خودرو در سال ۱۴۰۱ پس از حدود پنج سال ممنوعیت، با هدف افزایش رقابت، شکستن انحصار خودروسازان داخلی و کنترل قیمت‌ها از سر گرفته شد. با این حال، آمارهای عملکردی و وضعیت قیمت‌ها نشان می‌دهد فاصله قابل توجهی میان اهداف اعلام‌شده این سیاست و نتیجه آن در بازار وجود دارد؛ به گونه‌ای که هم واردات نهایی کمتر از میزان ثبت سفارش‌ها بوده و هم دسترسی مصرف‌کنندگان به خودروهای متناسب با توان مالی‌شان همچنان با محدودیت مواجه است. بر اساس گزارش دیوان محاسبات کشور درباره عملکرد واردات خودرو در سال ۱۴۰۴، با وجود پیش‌بینی ۲ میلیارد یورو منابع ارزی و ثبت سفارش...

یادداشت - ۴

مختصات تاب‌آوری اقتصادی



محمدحسین محمدی

اقتصادی صرفاً به معنای عبور از فشارهای خارجی نیست، بلکه به توانایی اقتصاد برای حفظ جریان تولید، تداوم تجارت خارجی و تأمین مالی فعالیت‌های مولد وابسته است. مدیریت انتظارات، تقویت تجارت خارجی و اصلاح نظام بانکی سه ضلع اصلی این مسیرند و موفقیت هر کدام، بدون پیشرفت در دو حوزه دیگر، محدود خواهد بود.

جنگ اقتصادی تنها به محدودیت‌های تجاری و مالی خلاصه نمی‌شود؛ این فشارها می‌توانند بر تولید، جریان سرمایه و تصمیم‌های فعالان اقتصادی نیز اثر بگذارند. از همین رو، نوسانات نرخ ارز نامی توان صرفاً با کمبود عرضه ارز توضیح داد. تورم داخلی، دشواری انتقال منابع و نااطمینانی در تجارت خارجی نیز بر هزینه مبادلات و رفتار اقتصادی بنگاه‌ها اثر گذارند. در چنین فضایی، سیاست‌ارزی باید علاوه بر مدیریت نوسانات، با کاهش نااطمینانی و تسهیل فعالیت‌های واقعی اقتصاد کمک کند.

بر اساس آمار مطرح شده، از ابتدای سال تا نیمه مهرماه ۲۴ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار برای واردات تخصیص یافته که نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۱۲ درصد کاهش داشته است؛ با این حال، کمبودی در تأمین کالاهای اساسی گزارش نشده است. این موضوع نشان می‌دهد از پایی وضعیت بازار باید فراتر از مقایسه ارقام تخصیص از انجام و دسترسی واقعی به کالاها و روند تجارت نیز در نظر گرفته شود. منظره بانک مرکزی در نوسانات شدید ارزی، در چارچوب قانون و با هدف مشخص می‌تواند به کاهش تلاطم کمک کند؛ اما چنین مداخله‌ای نباید به استفاده نامحدود از منابع برای تثبیت مصنوعی نرخ ارز تبدیل شود.

بازگشت از حاصل از صادرات نیز یکی از منابع مهم تاب‌آوری اقتصادی است. با این حال، سیاست‌های مرتبط با آن باید به گونه‌ای طراحی شوند که ضمن مقابله با تخلف، انگیزه صادرکنندگان برای ادامه فعالیت و حضور در بازارهای خارجی تضعیف نشود. دشواری‌های تسهیل ارزی و انتقال پول می‌تواند بر رفتار صادرکنندگان اثر بگذارد؛ بنابراین پیوند دادن سیاست بازگشت ارز با ابزارهای تأمین مالی تجارت، راهکاری ضروری برای حفظ جریان صادرات است. در حوزه پولی نیز کنترل رشد نقدینگی و تورم اهمیت دارد. طبق آمار مطرح شده، نقطه به نقطه آن ۵۱ درصد بوده است. کاهش تورم ماهانه در سه ماه منتهی به شهریور نسبت به سه ماه پیش از آن می‌تواند نشانه‌ای امیدوارکننده باشد، اما از پایی پایداری این روند به بررسی داده‌های چند دوره متوالی نیاز دارد. اصلاح نظام بانکی ضلع دیگر تاب‌آوری اقتصادی است. بانک‌ها باید به تدریج از بنگلگاری فاصله بگیرند و منابع خود را به تأمین مالی تولید، صادرات و معاملات واقعی اختصاص دهند.

ادامه در صفحه ۵